

آسیب شناسی انتخابات شورای ملی

امان الله شفايي

مقدمه

ماده هشتاد و یکم قانون اساسی افغانستان نقش و اهمیت شورای ملی را اینگونه بیان می‌کند: «شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی‌ترین ارگان تقنینی، مظهر اراده مردم آن است و از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند» اساساً نمود دموکراسی در جوامع، با پارلمان عجین است. کشورهایی که دموکراسی پذیرفته شده‌ای دارند، دارای پارلمان مستقل و کارآمد هستند و کشورهایی که با نظام سلطنتی مطلق (نه مشروطه) و یا جمهوری اسمی‌اداره می‌شوند، نتیجه آن رژیم‌های دیکتاتوری یا شبه آن است. در این رژیم‌ها یا پارلمان وجود ندارد و یا اینکه اعضای پارلمان دست نشانده و مطیع حاکمند و در راستای سیاست‌های حکومت حرکت می‌کنند. باید گفت که پارلمان در رژیم‌های گذشته افغانستان دارای چنین نقشی بوده است.

اینک که در آستانه فراز دیگری از تاریخ جدید افغانستان قرار گرفته‌ایم، ۲۷ سنبله (شهریور) روزی است که بسیاری به آن چشم دوخته‌اند تا شاهد برگزاری انتخابات پرشور و کم نقص باشند.

انتخابات شورای ملی در بر گیرنده دو مجلس، ولسی‌جرگه (مجلس عوام) و مشرانو جرگه (مجلس سنا) است. در این انتخابات علاوه بر انتخاب تمامی اعضای ولسی‌جرگه، یک سوم از نمایندگان مشرانو جرگه نیز انتخاب خواهند شد.

همه چیز می‌تواند دست به دست هم دهد، تا عالی‌ترین مرجع تقنینی و مظهر اراده مردم در جریان یک انتخابات کم افت و خیز، بدون از جنجال و با مشارکت حداکثری گروه‌ها و مردم برگزار شود و حادثه‌ای ماندگار را در حافظه تاریخ و مردم افغانستان به ثبت برساند، به شرطی که از آسیب‌های احتمالی رهایی پیدا کند و یا آن را به حداقل ممکن برساند. باید اذعان کرد که در شرایط نیمه بحرانی افغانستان و در حالی که این اولین تجربه برگزاری انتخابات شورای ملی است، نباید انتظار فوق العاده داشت، که این انتخابات در فضای صد در صد سلامت و امنیت برگزار شود. چه آنکه سلامت انتخابات

حتی در بسیاری از کشورهایی که سابقه برگزاری چند دوره انتخابات را داشته اند، از سوی ناظران بین المللی زیرسؤال رفته است.

صحبت از آسیب شناسی انتخابات به معنی آسیب زنی به انتخابات نیست. آسیب شناسی صرفاً بیان نقصانها و ابراز نگرانیهایی است که در صورت مغفول ماندن، لطمات بران ناپذیری را به حیثیت و اعتبار یک رژیم وارد می کند. برگزاری انتخابات به معنی دادن اختیار انتخاب حاکم، به دست مردم است. بنابر این اگر خدشه ای به جریان انتخابات وارد شود، به معنی آن است که نمایندگان غیر واقعی مردم به مجلس راه یافته اند از این رو صرف نظر از اهمیت این انتخابات در روند دمکراتیزه نمودن سیستم حکومتی و نقش بی بدیل آن در نمود مشارکت عمومی، این مقاله در صدد آن است که به کاستیها، ناراستیها و نگرانیهای انتخابات شورای ملی بپردازد و به عبارت دیگر، این انتخابات را آسیب شناسی کند.

این مقاله در سه فصل سازماندهی شده است.

فصل اول؛ آسیب هایی که متوجه قانون انتخابات است. در این قانون موارد غیر شفاف و تأمل برانگیز، مشاهده می شود.

فصل دوم؛ آفت هایی که می تواند فرایند انتخابات را تهدید کند. تهدیداتی که در سه مقطع قبل از انتخابات، روز رای گیری و پس از انتخابات بررسی خواهد شد.

فصل سوم؛ نگرانی هایی که پس از انتخابات و تشکیل شوراهای ملی و کارایی آن وجود دارد را بحث خواهیم کرد.

فصل اول؛ آسیب های قانونی

این فصل در برگزیده آسیب هایی است که از ناحیه قانون (قانون اساسی - قانون انتخابات) متوجه انتخابات است. چنانچه قوانین مربوط به انتخابات به دقت بررسی شود، رگه هایی از کاستی و نقصان را می توان در آن پیدا کرد. در اینجا سه مورد را بررسی می کنیم.

۱- سیستم انتخابات متعدد

شاید بتوان مهمترین آسیب انتخاباتی را مربوط به قانون اساسی و قانون انتخابات دانست. طبق مفاد قانون اساسی تعیین رئیس جمهور، اعضای ولسی جرگه، اعضای شوراهای ولایتی، اعضای شورای ولسوالیها

و اعضای شوراهای شاروالی‌ها، از طریق رای مستقیم مردم صورت می‌گیرد. بنابراین پنج انتخابات در قانون اساسی پیش‌بینی و تأکید شده است که دولت موظف است تمام این پنج نوع انتخابات را برگزار کند.

باید در نظر داشت که برگزاری هر انتخابات فراگیر و موفق، وقت‌گیر و هزینه‌بر است. آیا این

دو مقوله در مورد رژیم تازه تأسیس و وامانده از چند دهه نابسامانی جایگاهی دارد؟

شاید برخی معتقد باشند که جای نگرانی نیست، زیرا سازمان ملل متحد در برگزاری انتخابات حضور فعال دارد و هزینه آن را نیز تقبل نموده است. اما باید توجه کرد ممکن است برای چندین بار اجراء شود، زیرا قانون مصوب انتخابات، برای یک دوره یا چند دوره نیست، بلکه این قانون دایمی است و بنا هم بر این نیست که برای همیشه بآل و پر سازمان‌های بین‌المللی بر سر افغانستان گسترده باشد. باید برای نزدیکترین زمانی ببیندیم که دولت افغانستان بتواند فارغ از چشم داشت به کشورهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی، انتخابات و سایر پرونده‌هایش را اجرا کند.

نقد در اینجا است که برگزاری انتخابات بی در پی، هزینه‌بر و ملال‌آور است. در واقع این قانون شایسته کشورهای توسعه یافته است، که از عهده هزینه‌های سنگین و اداره انتخابات برمی‌آیند. اما این کشورها هم نمی‌توانند از خسته کننده بودن انتخابات مکرر، جلوگیری کنند. آمار شرکت کنندگان در انتخابات و رفتارندمها در کشورهای غربی نشان می‌دهد، که تعداد شرکت کنندگان به ندرت به مرز پنجاه درصدی و جددین شرایط می‌رسد.

برگزاری انتخابات پر تعداد و در فاصله‌های زمانی کوتاه، نشانه اوج مردمی‌بودن یک نظام نیست. یکبارہ غلطیدن در دامان دموکراسی و عدم لحاظ برخی از واقعیت‌های عینی کشور، ممکن است سبب انحراف از مسیر دموکراتیزه شدن و باقی ماندن رگه‌های خودکامگی اعضاء و تمامیت‌خواهی در پوشش دموکراسی و برگزاری انتخابات فرمایشی در آینده گردد. [۲]

بهتر آن بود، تدوین‌گران قانون اساسی روندی را برای سیستم اداری کشور پیش‌بینی می‌کردند که کمترین هزینه و بهترین نتیجه را می‌داشت. از باب مثال انتخابات ریاست جمهوری و مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا هر چهار سال یکبار و به صورت همزمان برگزار می‌شود و مردم آمریکا فقط هر چهار سال یکبار در پای صندوق‌های رای حاضر می‌شوند.

سیستم انتخاباتی عراق که اخیراً اجرا شد از همین الگو پیروی کرده است و به نوعی چیده شده که مردم هر پنج سال یکبار در تب و تاب انتخابات قرار می‌گیرند، چرا که مجلس ملی این کشور رئیس جمهور، نخست وزیر و هیئت دولت را انتخاب می‌کند و انتخابات جداگانه ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی و در آن جایی ندارد.

اگر بخواهیم یک نمونه از سیستم تعدد انتخابات را نام ببریم باید به جمهوری اسلامی ایران اشاره کنیم که در طول ۲۷ سالی که از عمر این نظام می‌گذرد ۲۷ انتخابات را برگزار نموده است. هر چند که این کشور تجربه خوبی را در امر برگزاری انتخابات بدست آورده است و می‌تواند این تعداد انتخابات را به رخ منتقدان غربی خود بکشد، اما واقعیت این است که مقامات جمهوری اسلامی به شدت نگران عدم استقبال حداکثری مردم در هر دوره از انتخابات هستند. از این رو دستگاه‌های تبلیغاتی این کشور برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای، فشار زیادی را متحمل می‌شوند.

در مورد افغانستان هم به نظر می‌رسد که این سیستم انتخابات در خور وضعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی افغانستان نیست و بهتر است راهکاری سنجیده شود. مثلاً به این صورت که برگزاری انتخابات شوراهای ولایتی و ولسوالی‌ها و شاروالی‌ها برای مدت نامعلومی به تعویق بیفتند. و به نوعی سیستم تک مجلسی روی کار بیاید. در این صورت اقتصاد ضعیف افغانستان متقبل هزینه گزاف برگزاری انتخابات نمی‌شود و از تکرار و ملال آور شدن حضور مردم در پای صندوق‌ها جلوگیری خواهد شد. به طور کلی در صورت تقلیل کمی انتخابات، شور و حرارت مردم جهت مشارکت در امور سیاسی و اداری کشورشان افزایش پیدا خواهد کرد. اگر چه برگزاری انتخابات متنوع، آزاد و سالم از مؤلفه‌های اصلی دموکراسی است؛ اما در مورد افغانستان قبل از آن که صورت‌ها و قالب‌های دموکراسی و بروکراسی غربی پیاده شود؛ باید زمینه‌های فکری و اندیشه‌ای آن چیده شود. چه آن که مدل دموکراسی غربی، قابل تجویز برای هر جامعه‌ای به ویژه افغانستان نیست.

۲- انتخابات بر مبنای ولایت

هر چند که در بسیاری از کشورها انتخابات پارلمانی بر اساس ایالت یا ولایت برگزار می‌شود، اما هستند کشورهایی که انتخاب شونده‌گان از واحدهای اداری کوچکتر نمایندگی می‌کنند.

در ماده هجدهم قانون انتخابات آمده است: «ولسی‌جرگه دارای ۲۴۹ کرسی می‌باشد که برای

ولایات به تناسب نفوسشان اختصاص داده می‌شود»

بر این اساس نمایندگان ولسی‌جرگه از سوی ولایات راهی پارلمان می‌شوند. شاید تدوین‌گران قانون انتخابات این‌گونه سنجیده باشند که انتخابات پارلمانی بر مبنای ولایت باعث می‌شود که تعصبات قومی- مذهبی و رقابت‌های قبیله‌ای که معمولاً در واحدهای کوچکتر وجود دارد، در حال و هوای انتخابات تحریک نشود و انتخابات در فضای آرام و بی‌تنش برگزار شود.

اما باید در نظر داشت، که این قانون پیامد منفی غیر قابل انکاری دارد. برخی از ولایات افغانستان در برگزیده جمعیت‌های نا همگون قومی، زبانی و مذهبی است. انتخابات بر مبنای ولایات باعث می‌شود که یک نوع ائتلاف ناخواسته قومی یا مذهبی میان انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان به‌وجود آید و هر قومیتی که دارای اکثریت نسبی باشد، می‌تواند تمام کرسی‌های مربوط به آن ولایت را از آن خود کند و قومیت‌های در اقلیت نتوانند حتی یک نماینده به پارلمان بفرستند. ضمن این‌که همین مشکل در انتخابات شوراهای ولایات نیز وجود خواهد داشت و باعث خواهد شد که اقلیت‌های قابل توجه که آمار جمعیتی آن در یک ولایت زیر پنجاه درصد است، از داشتن نماینده در آن شورا محروم شوند که این امر راهکار اندیشیده شده تدوین‌گران قانون انتخابات، مبنی بر افزایش وحدت ملی را نه تنها تقویت نخواهد کرد بلکه احساسات بیگانگی عده‌ای نسبت به حاکمیت، برانگیخته خواهد شد.

۳- بازماندن مهاجرین از شرکت در انتخابات

حاصل چند دهه بی‌ثباتی، مهاجرین زیادی است که به ویژه در دو کشور همسایه، ایران و پاکستان پناهنده شده‌اند و هنوز تعداد کثیری از آن‌ها به افغانستان باز نگشته‌اند. تدبیر اندیشیده شده در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته موجب شد مهاجرین ساکن در این دو کشور، استقبال بسیار خوبی از پروسه انتخابات به عمل آورند.

بنابر تصریح قانون انتخابات، کمیسیون مستقل انتخابات می‌تواند تسهیلات لازم را برای شرکت مهاجرین افغان در ایران و پاکستان فراهم کند^[۱۲]. اما طبق اعلام کمیسیون مستقل انتخابات، انتخابات شوراهای ملی در خارج از افغانستان برگزار نخواهد شد. این کمیسیون عدم امکان شرکت مهاجرین در پروسه انتخابات را به این دلیل دانسته‌اند که چون انتخابات بر مبنای ولایت است، لذا امکان شناسایی نوع ولایت مهاجرین در ایران و پاکستان بسیار مشکل است که البته این استدلال برای سیستم انتخابات کنونی قابل فهم است. اما واقعیت این است که تدوین‌گران قانون و کمیسیون مستقل می‌توانستند، با سازوکار

دیگری موجبات شرکت مهاجرین را فراهم کنند.

این تدوین‌گران همانگونه که برای کوچی‌ها و عشایر ده کرسی در ولسی‌جرگه در نظر گرفتند، همین طور می‌توانستند چند کرسی موقت را نیز به مهاجرین اختصاص دهند و زمینه شرکت حداکثری را در پروسه انتخابات فراهم کنند.

در ذیل ماده هشتاد و سوم قانون اساسی آمده است: که حداکثر ظرفیت کرسی‌های ولسی‌جرگه ۲۵۰ کرسی است که باید بر اساس نفوس ولایات تقسیم شود و این به معنای محروم شدن مهاجرین، از داشتن نماینده در ولسی‌جرگه است.

مقامات می‌توانستند با تقلیل موقت از سهمیه ولایات، چند کرسی را برای مهاجرین در نظر بگیرند. انتخابات پارلمانی کشور عراق نشان داد که شرکت مهاجرین و اتباع ساکن در دیگر کشورها، در امر انتخابات پارلمانی، ناممکن نیست.

فصل دوم، آسیب‌های انتخاباتی

به نظر می‌رسد، فرایندی که انتخابات شورای ملی طی می‌کند، دارای فراز و فرودهای زیادی باشد. از زمانی که کمیسیون مستقل انتخابات زمان رای‌گیری را با دو بار به تأخیر انداختن، مشخص نموده و تا زمانی که انتخابات برگزار شود و نتایج آن مشخص شود، یک مدت زمانی ده ماهه را در بر می‌گیرد. در این فاصله برخی کارهای مقدماتی انجام شده و یا در حال انجام شدن است. ثبت نام از کاندیداها به پایان رسیده و لیست نهایی آن هم مشخص شده است. طبق اعلان «پیتز آرین» هماهنگ کننده کمیسیون مشترک انتخابات، بیش از ۵۸۰۰ نفر برای احراز ۲۴۹ کرسی ولسی‌جرگه و حدود ۴۰۰ کرسی شورای ولایتی، با هم رقابت می‌کنند.

روشن است که برگزاری انتخابات شورای ملی، با این حجم کاندیدا و گستردگی و پیچیدگی روند آن، امری دشواری است که بیم آن می‌رود اجرای مطلوب و سلامت انتخابات را آسیب‌هایی تهدید کند. این آسیب‌ها را در سه دوره مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) پیش از انتخابات

پیش از برگزاری انتخابات مشکلات و ناهمواری‌هایی بر سر راه انتخابات و یا نگرانی از آن وجود دارد که موارد برجسته آن را می‌آوریم.

۱- امنیت: به همان اندازه که پروسه انتخابات برای حکومت و مردم افغانستان اهمیت دارد، برای مخالفان، مختل نمودن روند آن مهم است.

مقامات سازمان ملل متحد که یک پای ثابت انتخابات شورای ملی به حساب می‌آیند، بارها از ناامنی در روند ثبت نام از کاندیداها و واجدین شرایط رای دهی، هشدار داده‌اند.^[۴]

انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته نیز با همین نگرانی برگزار شد؛ نیروهای امنیتی خارجی و داخلی موفق شدند، از انتخابات در بهترین حالت امنیتی ممکن حراست کنند. اما باید پذیرفت که انتخابات پارلمانی به دلیل گسترده بودن و پیچیدگی آن با انتخابات ریاست جمهوری متفاوت است.

این انتخابات از نواحی مختلف مورد تهدید قرار می‌گیرد که خواسته یا ناخواسته توجه کارشناسان را، به خود جلب می‌کند که مهمترین این تهدیدات را تهدید امنیتی تشکیل می‌دهد. بنا بر حسب ضرورت این موضوع را بررسی می‌کنیم و این سؤال را طرح می‌کنیم که تهدیدات امنیتی در برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای محلی از جانب چه کسانی است؟ برای پاسخ به این سؤال، بسیاری از تحلیل‌گران به دو طیف اشاره می‌کنند:

۱- طالبان و حامیان آنها

۲- گروه‌های غیر مسؤول

گروه دوم در حال حاضر توانایی آن‌چنانی برای تهدید را نداشته و انگیزه‌ای هم ندارد. لذا باید بحث را بر روی گروه اول متمرکز کنیم.

گروه طالبان و متحدین آنها در ساحات جنوب و جنوب شرق، توانایی اجرای برنامه‌های تخریبی‌شان را نشان داده‌اند. به نظر می‌رسد که هر چه به زمان برگزاری انتخابات نزدیکتر شویم، این گروه پتانسیل‌های خرابکارانه‌شان را بیشتر به‌فعلیت در خواهند آورد. سؤال دیگر این‌که آیا آنها واقعا توان بر هم زدن مطلق روند انتخابات را دارند؛ یا این‌که حملات جسته و گریخته آنان به مراکز ثبت نام و ترور برخی از کاندیداها را باید پیش بینی شده و تا حدی پذیرفته شده دانست؟

باید گفت که ظاهراً طالبان هویت از دست رفته‌شان را تا جایی احیا می‌کنند تا به جهانیان نشان

دهند که ما نه تنها نابود نشده‌ایم، بلکه آرام آرام در حال بازگشتن به حالت سازمان گذشته هستیم.^[۵]

بنابراین صرف نظر از اهمیت انتخابات، این انتخابات صحنه زور آزمایی طالبان از یک سو و نیروهای ائتلاف و نیروهای دولتی از سوی دیگر است. طالبان می‌خواهند ثابت کنند که از توان عملیاتی برای تهدید و تحقیر دولت برخوردارند. دولت و نیروهای ائتلاف هم می‌خواهند نشان دهند که طالبان ضعیف‌تر از آن هستند که بتوانند پروسه بزرگی همانند انتخابات شورای ملی را به مخاطره بیندازند.

۲- ناهنجارهای انتخاباتی: حضور کاندیداهایی که در گذشته رقابت‌های خصمانه داشته‌اند، ناکام ماندن پروژه خلع سلاح نظامیان خود سر، برخوردار بودن برخی کاندیداها از قدرت اقتصادی برتر، نهادینه نشدن فرهنگ تبلیغات، از مهمترین نگرانی‌های دوران انتخابات است. یک تحلیل‌گر امور افغانستان این نگرانی‌ها را این چنین قلمی می‌کند: «در جریان سه دهه جنگ داخلی بعضی افراد جامعه در نتیجه استفاده نامشروع از ثروت ملی، تفنگ سالاری، ترانزیت مواد مخدر و خرید و فروش سلاح، از جمله سرمایه‌دارترین افراد کشورهای آسیای مرکزی محسوب می‌گردند. این قشر محدود؛ اما قدرتمند در جریان پروسه انتخابات به‌شکلی از اشکال افراد مطیع خویش را در جهت منافع خویش به پارلمان کشور نامزد می‌نمایند و برخی با توسل به زور و هم با تزویر کاندیدای خویش را به پارلمان رهنمون می‌گردند».^[۶]

واقعیت این است که تمام کاندیداها از فرصت و امکانات برابر برخوردار نیستند و چه بسیار خواهند بود نامزدهایی که به دلایل امنیتی نخواهند توانست اینجا و آنجا برنامه‌های تبلیغی‌شان را پیش ببرند.

نگرانی بیشتر از زمانی است که هواداران کاندیداها به جای تبلیغ از نامزدشان کار را، از تخریب سایر کاندیداها، شروع کنند. بیم آن می‌رود که انتخابات به صحنه‌ای برای حساب‌های شخصی و قبیله‌ای تبدیل شود. ناهنجاری‌های انتخاباتی می‌تواند تا آنجا پیش رود که کمیسیون مستقل انتخابات به دلیل تخلفات، نتایج برخی حوزه‌ها را باطل اعلام کند.

مسئله دیگری که می‌تواند نگران کننده باشد مسأله تهدید و تمویل برخی از کاندیداهاست. بسیاری از تحلیل‌گران این آسیب را مهم می‌دانند. «تحمیل فشار، توسل به زور سلاح در قریه‌ها و قصباتی که

هنوز پروسه خلع سلاح عمومی تطبیق نگردیده است کار این روند را مختل خواهد کرد».^[7]

نمونه‌هایی از این ناهنجاری‌ها، در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته نیز به وقوع پیوست. اما از آنجا که انتخابات شورای ملی در سیستم جغرافیایی و لایات انجام می‌شود، این تهدیدات می‌تواند جدی‌تر و عملی‌تر باشد. چه آن‌که برخی از گروه‌ها و افرادی که در دوران جهاد قدرت کسب کرده‌اند، تا کنون نیز از این امتیاز برخوردارند و می‌توانند اقبال عمومی را به نفع یا به ضرر کاندیداها تغییر دهند. به همین دلیل «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا)، در بیانیه‌ای به شدت از این امر اظهار نگرانی می‌کند و خواستار به‌تعویق افتادن انتخابات می‌شود: «باید این انتخابات تا خلع سلاح کامل جنگ سالاران به‌تعویق انداخته شود تا آنان قادر نباشند به زور تفنگ به آن (شورای ملی) راه یابند. اگر این انتخابات در وضع فعلی برگزار شود نتایج آن برای مردم ما مصیبت بار خواهد بود».^[8]

از نگرانی‌های دیگر انتخابات، پناهنده شدن برخی از کاندیداها به دامن صاحبان سرمایه و بنگاه‌های تمویل کننده اقتصادی داخلی و خارجی است که این امر استقلال فردی نماینده را از او سلب نموده و به‌گونه‌ای او را امدادار صاحبان ثروت و مکننت می‌کند.

قانون انتخابات به این مسأله توجه نموده و دریافت هر گونه وجه از منابع غیر قانونی داخلی و منابع خارجی را برای کاندیداها ممنوع کرده است.^[9]

وابستگی اقتصادی به خودی خود، منجر به وابستگی سیاسی خواهد شد. این مسأله را «ویلیام دامهوف» نویسنده آمریکایی این‌گونه تحلیل کرده است: «در این مرحله است که نامزدها آسیب پذیرتر می‌شوند و شروع می‌کنند به دنبال راه‌های سازش گشتن. کمک به برنامه‌های میارزات انتخاباتی و هدایای ملی اعضای طبقه ممتاز و جامعه صنفی که کمتر آشکار است، عامل اصلی در تعیین سرنوشت کسانی است که با امید موفقیت قدم به میدان مبارزه می‌گذارند. البته کسب مال به برنامه میارزات انتخاباتی این طور که از مطالعه بازندگان که زیاد خرج کرده‌اند، تنها عامل در روند سیاسی نیست اما می‌تواند عامل کلیدی باشد».^[10]

۳- نبود مدیریت سالم: آیا کمیسیون مستقل انتخابات و مقامات سازمان ملل که مشترکا مجری

برگزاری انتخابات هستند، خواهند توانست ترتیب برگزاری یک انتخابات با حداقل نقص را بدهند؟ آیا مقدمات فنی و تکنیکی برای این انتخابات گسترده، فراهم شده است؟ آیا از روند و چگونگی رای‌گیری برای مردم آگاهی لازم داده شده است؟

حقیقت آن است، که اگر خواستار برگزاری انتخابات سالم و راه یافتن نمایندگان واقعی مردم به شورای ملی هستیم، می‌بایست زمینه‌ها و شرایط یک انتخابات با معیارهای بین‌المللی آن را ایجاد کنیم. صرف برگزاری انتخابات، بدون رفع موانع اجرایی، اداری و قانونی آن نمی‌تواند شاهکار باشد.

به‌منظر می‌رسد که دو مورد آسیب، حاصل این بی‌تدبیری باشد:

۱/۳- عدم آگاهی دادن لازم به مردم؛

برگزاری انتخابات بدون در نظر داشتن حضور حداکثری مردم امری ناموجه است. از پیش شرط‌های سلامت انتخابات آگاهانین مردم از مکانیزم و شیوه برگزاری آن است. با توجه به‌گراف پایین با سوادان کشور، پیچیدگی‌ها و تعداد نامزدها، مشکلات زیادی برای شهروندان بی‌سواد کشور خلق می‌شود. از یک طرف رای‌دهندگان با اوراق انتخاباتی گوناگون روبرو هستند و از سوی دیگر قلت رسانه‌های جمعی باعث آن می‌شود تا مردم از خط‌مشی و اهداف نامزدها به‌خوبی آگاه نشوند. بناءً ترس از این‌رو وجود دارد که انتخابات بدون در نظر گیری یک هدف معین و فقط با شنیدن چند شعار خشک و بی‌محتوا صورت گیرد.^[۱]

نا آگاهی مردم از برنامه‌های کاندیداها موجب آن خواهد شد که رای‌دهندگان معیار انتخاب را نزدیک‌ترین اشتراکات قومی، مذهبی و یا قبیله‌ای قرار دهند که این امر احیای تعصبات خشک و بی‌منطق را تسریع می‌کند.

در حالی‌که انتخابات ولسی‌جرگه و شوراهای ولایات به صورت هم‌زمان برگزار می‌شود، تفکیک میان دو انتخابات و لیست طویل کاندیداها، رای‌دهندگان را دچار مشکل می‌کند. این مسأله نوعی سر درگمی برای رای‌دهندگان ایجاد خواهد کرد. تعداد آرای باطله در انتخابات ریاست جمهوری نشان داد که رای‌دهندگان افغانی با فرایند انتخابات به خوبی آشنا نیستند که این امر توجه مسئولان را به آموزش همگانی بیشتر می‌طلبد.

۲/۳- عدم تقسیمات اداری روشن و سرشماری دقیق

چالش دیگر فرا روی انتخابات عدم تعیین روشن مرزهای اداری کشور است. سه دهه جنگ داخلی موجب مهاجرت به خارج و جابجایی عده کثیری در سطح ولایات شده است. اما کمیسیون انتخابات کرسی‌های شورای ملی را بر اساس احصائیه نفوس دوران حکومت کمونیست‌ها ناعادلانه تقسیم کرده است. یک ماهنامه چاپ کابل می‌نویسد: «مشکل دیگر اینکه حکومت‌های استبدادی گذشته بدون در نظر داشت نفوس ولسوالی‌ها آن‌ها را تقسیم بندی کرده‌اند، به طوری که تقسیمات اداری به گونه غیر علمی و تبعیض آمیز صورت گرفته است، به طوری که جمعیت بعضی از ولسوالی‌ها برابر با جمعیت بعضی از ولایات است؛

با جمعیت یک ولسوالی برابر دو یا سه ولسوالی دیگر است. لذا قبل از انتخابات می‌بایست حدود تمام ولسوالی‌ها مشخص شود.^[۱۶]

تحلیل‌گر دیگری بی‌عدالتی حاکمان گذشته را مبنای این تقسیمات ظالمانه می‌داند: «در گذشته حاکمانی بر افغانستان حکم رانده‌اند که عملکرد و کشور داری آن‌ها بر مبنای حکم و عدل اسلامی نبوده، بدین لحاظ تقسیمات کشوری که تسهیلات اقتصادی و عمرانی و حضور در شورا و... بر آن مبنا صورت می‌گرفته، عادلانه نبوده، لذا هر نوع اقدام بر انتخابات بر مبنای تقسیم کشوری سابق تأمین کننده حقوق ملت مسلمان افغانستان بر اساس حق و عدل نخواهد بود»^[۱۷]

چالشی دیگر عدم سرشماری دقیق و روشن از جمعیت کشور و باشندگان ولایات است. در حالی- که تدوین‌گران قانون انتخابات معیار تقسیم کرسی‌های شورای ملی را نفوس ولایات قرار داده‌اند، با معیار قرار دادن سرشماری سه دهه قبل و عدم سرشماری جدید، چگونه مطمئن می‌شوند که عدالت را اجرا کرده اند؟

این امری است که کارشناسان زیادی بر آن تأکید می‌کنند: «این یک امری کاملاً طبیعی و عادلانه است که باید بر اساس جمعیت کشور صورت بگیرد. زیرا تساوی حقوق در تمام زمینه‌ها از لوازم عادلانه انتخابات می‌باشد و در چارچوب عدالت اسلامی پذیرفته نیست که از یک منطقه با داشتن بیست هزار نفر یک نماینده در شورا فرستاده شود و از یک منطقه دیگر با جمعیت سیصد هزار نفری یک

نماینده انتخاب گردد»^[۱۴]

«یکی از پیش شرطهای سلامت انتخابات سرشماری دقیق از نفوس شهروندان است که بدون احصائیه نمیتوان تعداد نماینده یک ولایت را تعیین کرد. تا بهل یا سرشماری صورت نگرفته و اگر در بعضی مناطق سرشماری کردند، بسیار نادرست و غیر مسلکی بوده است»^[۱۵]

حال سؤال اینجاست که چه گروه قومی یا مذهبی از این آسیبها سود می‌برند و بازنده از پیش تعیین شده این انتخابات چه کسانی خواهند بود؟

ب) روز رایگیری

۱- امنیت: مسأله امنیت انتخابات، بهترین حالتش را در روز رایگیری نشان می‌دهد. حفاظت از مراکز و صندوق‌های رایگیری و همچنین حفاظت از جان رای دهندگان، مهمترین دغدغه مقامات امنیتی است. اگر مخالفان انتخابات موفق شوند مانع شرکت حداکثری مردم در انتخابات و یا به تعطیلی کشاندن برخی از حوزه‌های رایگیری شوند، موفقیت بزرگی را بدست آورده‌اند. بی‌تردید مخالفان انتخابات به سرکردگی طالبان، تمام تلاش شان را برای مختل نمودن روند انتخابات به کار خواهند بست. کما این‌که در چند ماه گذشته نشان دادند که توانایی عملیات‌های تخریبی علیه مراکز ثبت نام و ترور برخی از کاندیداها را دارند. گروه طالبان از این‌که نتوانستند مانع اجرای موفقیت‌آمیز انتخابات ریاست جمهوری شوند خودشان را سرزنش می‌کنند. این بار آنان سوگند یاد کرده‌اند که به هر طریق ممکن، از برگزاری انتخابات جلوگیری به عمل آورند.^[۱۶]

از این رو انتظار می‌رود پلیس و اردوی ملی با کمک نیروهای بین المللی، حداکثر ملزومات امنیتی را برای روز انتخابات پیش‌بینی کنند.

۲- تقلب: مناسبترین فرصت برای هواداران کاندیداها جهت دست بردن در روند انتخابات و تغییر نتیجه آن، روز رایگیری است. بسیار کسانی معتقدند، نامزد مورد حمایت آنان باید به هر طریق ممکن به شورای ملی راه یابد. این عده سعی خواهند کرد یا نظر رای دهندگان را در پای صندوق‌های رای تغییر دهند و یا از رای دهی هواداران دیگر کاندیداها جلوگیری به عمل آورند و یا این‌که در کارت-

ها و برگه‌های رای، دست کاری کنند و یا حتی محتویات صندوق‌ها را به نوعی مخدوش کنند.

انتخابات ریاست جمهوری نشان داد که علی رغم وسواس شدید مقامات برگزار کننده انتخابات، باز هم تخلفات ملموس در بسیاری از مراکز به وقوع پیوست.^[۱۶]

برگزاری انتخابات همراه با تقلب، علاوه بر آنکه حیثیت سیاسی منتخبان را مخدوش می‌کند، موجبات بدبینی و دل‌سردی رای دهندگان را نیز فراهم می‌کند. چنانچه شرکت کننده‌ای مطمئن نباشد که از آرای او به درستی حفاظت و حراست می‌شود، انگیزه شرکت در انتخابات را از دست می‌دهد. ضمن آنکه انتخابات مخدوش، حیثیت بین المللی کشور را تهدید و اعتبار نهاد انتخاب شده را تنزل می‌دهد.

۳- **بی انضباطی:** بخش مهمی از هزینه ۴۸ میلیون دلاری انتخابات شورای ملی صرف آموزش کارمندان و مجریان انتخابات خواهد شد.^[۱۷] اما «پیتر آرین» رئیس ستاد مشترک هماهنگی انتخابات در این مورد می‌گوید: «هیأت ناظران بین المللی هشدار می‌دهند که این انتخابات بی نقص نخواهد بود. و این موضوع حایز اهمیت به سزایی است که در مورد انتظارات خود واقع بین باشیم. چرا که افغانستان تازه دوران مناقشات داخلی را پشت سر گذاشته است و دارای مشکلات زیربنایی و بی سواد و دیگر مسایلی از این قبیل است»^[۱۸]

لازمه گفته آقای «آرین» این نیست که از کنار مشکلات موجود بی‌تفاوت گذر کنیم، زیرا مناقشات داخلی تا حدود زیادی کاهش پیدا کرده است و مسایل زیربنایی همانند بی‌سواد و آموزش‌های لازم قابل رفع است.

نگرانی بیش‌تر از عمل‌کرد مقامات و مسئولین اجرایی است که می‌بایست چنان این پروژه را برنامه ریزی و اجرا کنند که حتی مردم دور افتاده‌ترین نقاط افغانستان، امکان حضور در پای صندوق‌های رای را داشته باشند و یا این‌که مراکز و تعرفه‌های رای را به اندازه کافی بر اساس تراکم جمعیتی عادلانه تقسیم کنند، تا همه به طور یکسان بتوانند در انتخابات شرکت کنند. نا هماهنگی و بی‌انضباطی‌هایی که در جریان انتخابات ریاست جمهوری اتفاق افتاد، می‌تواند تجربه و درس عبرتی برای انتخابات شورای ملی باشد.

ج) پس از انتخابات: بر فرض سلامت کامل انتخابات در روز رایگیری، آسیب دیگری که می‌تواند متوجه فرایند کلی انتخابات باشد، تقلب در انتقال صندوق‌ها و شمارش آرا است. هنگامی که زمان رایگیری به پایان برسد، مسئولین می‌باید صندوق‌ها را به مراکز از پیش تعیین شده شمارش انتقال دهند. از آنجا که فاصله برخی از حوزه‌های رایگیری تا مراکز زیاد است و یا به دلیل صعب العبور بودن راه‌ها، ممکن است مدت زیادی طول بکشد تا صندوق‌ها به مراکز تحویل شود. این مدت فرصت سوء استفاده رابرای قانون شکنان فراهم می‌کند. علی‌رغم حساسیت‌هایی که مقامات کمیسیون انتخابات جهت سلامت شمارش آرا از خود نشان می‌دهند، کم نیستند هواداران و یا اجرت بگیرانی که به صورت سازمان دهی شده، آراء را به نفع کاندیداهای مورد نظر شمارش کنند. پیامد تقلب در انتخابات، اعتراضات و شکایات نامزدهای شکست خورده است.

طبق تصریح قانون انتخابات، شکایات هنگامی می‌تواند مطرح شود که کار شمارش آرا پایان یافته و نتیجه رسمی آن منتشر شده باشد.^{۹ [۲۰]}

بیم آن می‌رود که تقلب‌های گسترده، هم در اجرای انتخابات و هم در شمارش آرا موجب طرح شکایات زیادی از سوی کاندیداهای بازمانده از راهیابی به شورای ملی شود که این امر قطعاً کار کمیسیون انتخابات را دشوار می‌کند، زیرا بر اساس مفاد قانون انتخابات، کمیته تشکیل شده در مراکز رای دهی و پس از آن کمیسیون مستقل انتخابات فرصت دارند که در مدت سه روز موضوع را حل و فصل نمایند.

اما سؤال اینجاست که آیا کاندیداها، رای کمیته و کمیسیون را خواهند پذیرفت و یا این‌که تا جایی که ممکن است اعتراض می‌کنند و جو را همچنان ملتهب نگه می‌دارند؟

البته پذیرش شکست همه امر مطلوبی نیست، لذا بازندگان انتخابات ممکن است شکایات بی‌اساس را تسلیم مقامات کنند. اما آسیب در اینجاست که گستردگی شکایات و اعتراضات به خودی خود موجب خدشه دار شدن فرایند انتخابات و به زیر سؤال رفتن آن خواهد شد. علاوه بر آنکه موجبات پدید آمدن اختلافات، تهدید یکپارچگی ملی و بی‌ثباتی سیاسی را فراهم خواهد نمود.

فصل سوم، آسیب‌های شورای ملی

۱- بلا تکلیفی شورای ملی

آیا پس از انتخابات، شورای ملی تشکیل خواهد شد و کار قانونگذاری را انجام خواهد داد؟ بنا بر تصریح قانون اساسی، قوانین هنگامی معتبر هستند که لویح علاوه بر تصویب و لسی جرگه، مورد تأیید مشرانو جرگه و امضای رئیس جمهور نیز برسد.^[۲۱] و حال آنکه با برگزار نشدن انتخابات شورای ولسوالی‌ها که نمایندگان آن یک سوم اعضای شورای ملی را تشکیل می‌دهند، مشرانو جرگه عملاً شکل نخواهد گرفت.

از این رو، بنا به نص قانون اساسی^[۲۲] مادامی که هردو مجلس مطابق با قانون اساسی تأسیس نشده‌اند، اختیار و صلاحیت قانونگذاری از آن رئیس جمهور خواهد بود. حفظ این صلاحیت در زمانی که ولسی جرگه برگزیده وجود دارد و دو سوم اعضای مشرانو جرگه هم امکان مشخص شدن دارند، برای دولت مطلوب و یا موجه نیست.

در مباحثات لویه جرگه قانون اساسی در دی ماه ۱۳۸۲ تصریح شد که مقصود از تلاش برای برگزاری همزمان انتخابات در ماده ۱۶۰ این بود که اطمینان حاصل شود به منظور جلوگیری از سوء استفاده قدرت، اختیارات رئیس جمهور منتخب با صلاحیت مجلس منتخب، تعدیل شود. بنابراین حامیان مهار قدرت رئیس جمهور، یقیناً بر این موضوع تأکید خواهند کرد. از جمله اختیارات محفوظ برای دولت، قدرت صدور فرمان قانونگذاری برای تأسیس یک روند تازه تقنینیه است تا در فاصله بین اعلام نتایج انتخابات ولسی جرگه و تشکیل کامل مشرانو جرگه اجرا شود. توافقنامه بن تنها برای دوره انتقال روند قانونگذاری را معین می‌کند و در نتیجه هیچ چیز سد راه وضع چنان قانونی از سوی دولت نمی‌شود.

بنابراین در خلال اعلام نتایج انتخابات ولسی جرگه و تأسیس شورای ملی در مجلس، روند قانونگذاری می‌تواند یکی از این دو شق یا ترکیبی از آن‌ها باشد:

الف) تک مجلسی: تمام اختیارات تنفیذ شده در مشرانو جرگه باید باطل شود و قوانین باید به-

تصویب ولسی جرگه و امضای رئیس جمهور برسد که این بر خلاف نص قانون اساسی است که قانون را

عبارت از تصویب هر دو مجلس و امضای رئیس جمهور دانسته بود.

ب) دو مجلسی: قانون می‌تواند یک مشرانو جرگه موقت و روند انتخابات آن را تعیین کند. در حالی که یک سوم نمایندگان مشرانو جرگه از سوی شورای ولایات معرفی خواهند شد و یک سوم را نیز رئیس جمهور تعیین خواهد کرد، می‌توان همانند فرایندی که انتخابات لویه جرگه در سه سال گذشته طی کرد، فرایندی را برای تعیین نمایندگان شوراهای ولسوالی‌ها به طور موقت ترتیب داد که در این صورت طبق قانون اساسی، مشرانو جرگه برای فعالیت مشکلی نخواهد داشت و روند قانون‌گذاری از بی تکلیفی خارج خواهد شد. زیرا بدون شکل‌گیری کامل مشرانو جرگه، ولسی جرگه معطل خواهد ماند.^{[۲۲]۲۳}

۲- راهیابی افراد قدرتمند و بی‌تجربه به پارلمان

پارلمانی را تصور کنید که اعضای آن را ریش سفیدان، فرماندهان سال‌های گذشته و یا زنان بی‌تجربه تشکیل می‌دهند و کرسی‌های آن از حضور تحصیل کردگان، نخبگان و رجال با تجربه خالی است.

وقوع این حالت دور از انتظار نخواهد بود. همان طوری که در صفحات گذشته اشاره کردیم هنوز رای دهندگان افغانستانی را نمی‌توان از تعصبات قومی و یا مذهبی دور نگه داشت و به جای آن مصالح ملی را حاکم نمود.

از این رو بیراهه نرفته ایم؛ اگر معتقد باشیم اکثر رای دهندگان به‌نبال صلاحیت‌ها و لیاقت‌ها و شایستگی‌های کاندیداها نیستند و یا امکان شناخت بهترین‌ها را ندارند. بلکه گمان می‌کنند که اگر به نزدیک‌ترین شخص (از لحاظ قومی، قبیله‌ای، مذهبی) به خودشان رای دهند به نوعی جفا کرده‌اند. در حالی که این اندیشه آسیبی بزرگ به شورای ملی وارد می‌کند. چه بسا افراد قدرتمند و پر آوازه به شورای ملی راه پیدا کنند که از ابتدایی‌ترین وظایف قانون‌گذاری و چم و خم‌های نمایندگی عاجزند.

بسیاری آقای کرزی را متهم می‌کنند که از شکل‌گیری پارلمان واهمه دارد چرا که پارلمان قدرت مطلق العنان فعلی او را محدود می‌کند.

«از یک نقطه نظر نگرانی آقای کرزی از به‌وجود آمدن یک پارلمان مستقل موجه به نظر می‌رسد و آن این‌که نمایندگان ما، تجربه کار پارلمانی را ندارند و احتمال دارد چنین پارلمانی به دردمندی برای حکومت تبدیل شود و در نتیجه وقت بیشتر حکومت به مشاجره با پارلمان بگذرد»^{[۲۳]۲۴}

به نظر می‌رسد حضور فرماندهان و ریش سفیدان بی سواد و افرادی با تحصیلات پائین به پارلمان، اجتناب ناپذیر است که محصول آن تصویب قوانین با دیدگاه‌های سطحی گرایانه و غیرکارشناسانه خواهد بود.

البته سیاست بازانی نیز در پارلمان حاضر خواهند بود که بیم آن می‌رود همانند امواج، این عده را با خود این سو و آن سو ببرند و از حق رای آنان در جهت مقاصدشان استفاده کنند.

۳- جناح بندی‌های لحظه‌ای و تقابل با دولت

پس از اعلان نتایج انتخابات ریاست جمهوری، رقبای آقای کرزی که بازندگان این عرصه بودند اعلان کردند که خودشان را برای انتخابات پارلمانی آماده می‌کنند.

آمادگی رقبای آقای کرزی، برای ورود به پارلمان و چشم دوختن آنها به این مرجع به عنوان یک سنگر سیاسی و نیز احتمال نفوذ برخی از گروه‌های تندرو و عناصر مخالف دولت به پارلمان به منظور ایجاد فراکسیون نیرومند در مقابل رئیس جمهور و حکومت او، نگرانی‌هایی را دامن می‌زند.

هر چند آقای کرزی پس از پیروزی در انتخابات، برخی از رقبای انتخاباتی خود را تشویق به حضور در پارلمان و ایجاد نیروی سیاسی انتقادگر نمود، اما این اظهارات بیشتر به دلیل دلجویی از آنان و ناشی از پیش‌بینی‌های بیم‌آور سیاسی آینده می‌باشد. اعتقاد واقعی به تحقق و تأمین چنین شرایطی، چه این‌که، قاعده بازی در ترمینولوژی سیاست‌گران افغانستان هنوز هم به وارسنگی و نهادمندی نرسیده است و این ناشی از این واقعیت اجتماعی – فرهنگی است که گروه‌ها و سیاست‌گران این کشور، مفهوم دموکراسی را با ذکاوت سنتی و ذهن قومی‌پرداخت‌گری می‌کنند. در دستگاه چنین تلقی، رقابت به مفهوم معاندت و انتقاد، معادل بر اندازی و برافروختگی سیاسی می‌باشد.^[۲۰]

رئیس جمهور کرزی، از نص قانون اساسی به خوبی آگاه است که شورای ملی عالی‌ترین مرجع تقنینی و مظهر اراده مردم است. هر چند که رئیس جمهور نیز دارای اختیارات گسترده است اما همواره سایه نظارت و اشرافیت پارلمان را بالای سر خود احساس می‌کند. لذا یک تحلیل‌گر، نگاه بدبینانه‌ای در این مورد دارد: «در این نکته شکی وجود ندارد که آقای کرزی از به وجود آمدن یک پارلمان واقعی نگرانی دارد. طرح حکومت مرکزی از همان آغاز برای حاکمیت یک قوم برتر ساخته شده... در جریان

لویه جرگه قانون اساسی تلاش زیادی از طرف وکلا صورت گرفت تا حاکمیت به معنی واقعی کلمه در وجود یک شخص خلاصه نشود و رشته‌ها به یک نقطه گره نخورد و این همان هدفی است که در تمام نظام‌های دموکراتیک نهادینه می‌شود و علت آن تجربه بشر از نظام‌های مرکزی گذشته است»^[۲۶]

تشکیل فراکسیون‌های مکرر و ائتلاف‌های ناپایدار، آفت دیگری برای شورای ملی خواهد بود. اجزایی که هم اکنون برای حضور در انتخابات اعلام آمادگی کرده‌اند بیشتر شکل و شمایل قومی دارند. در پارلمان آینده قومیت‌های در اقلیت می‌توانند فراکسیونی مقتدر و منتقد را در برابر دولت تشکیل دهند.

از سرشناس‌ترین مخالفین دولت، یونس قانونی از قوم تاجیک است که بسیاری او را متهم می‌کنند که فقط منافع تاجیک‌ها را در نظر می‌گیرد و تنها برای مانع ایجاد کردن بر سر راه حامد کرزی تلاش می‌کند. اما آقای قانونی این اتهام را به شدت رد می‌کند و می‌گوید: «مشکل واقعی این است که حامد کرزی رئیس جمهور و یارانش خواستار پارلمانی ضعیف و با شکاف در میان نمایندگان آن هستند تا به این ترتیب بتوانند منافع پشتون‌ها را پیش ببرند»^[۲۷]

از هم اکنون باید حضور آقای قانونی را که از ولایت کابل کاندید شده است در پارلمان قطعی تلقی کرد و منتظر ماند که آیا او به آرزویش که همان ریاست بر پارلمان است، خواهد رسید؟

به نظر می‌رسد که آقای کرزی توانایی و اهرم‌های به هم ریختن هر جمع و ائتلافی را دارد و ظن غالب آن است که آقای کرزی با سیاست تشویق و تطمیع، بتواند فراکسیون اکثریت را در پارلمان تشکیل دهد؛ اما مسأله‌ای که درخور توجه است این‌که رئیس جمهور از پشتیبانی قوم اکثریت نسبی پشتون، مطمئن نیست و او ناگزیر خواهد بود برای جلب حمایت این احزاب، امتیازات زیادی بدهد که این امر نگرانی احزاب قومی اقلیت را تشدید خواهد کرد. به گفته «جووانا ناتان» تحلیل‌گر ارشد سازمان موسوم به «گروه بحران بین الملل»، احزاب قومی در پارلمان آینده بسیار سعی خواهند کرد که برای حامد کرزی مشکل ایجاد کنند و در آن گروه‌هایی با مسایل و منافع خاص خود حضور خواهند داشت.^[۲۸]

بیم آن می‌رود که روند ائتلاف‌های احزاب قومی اقلیت، گروه‌های پشتون را که عنداللزوم نا باورانه متحد می‌شوند را علیه فراکسیون‌های اقلیت بشوراند و در نتیجه حاکمیت اکثریت ثابت را به وجود آورد. «کارل کوهن» نویسنده آمریکایی از تشکیل چنین اکثریتی هشدار می‌دهد: «قاعده اکثریت ممکن

است اساس مشارکت همگانی را از بین ببرد و با پیدا شدن اکثریتی ثابت در جامعه خطرهایی از حوزه تسلط سالم، موج زنی به وجود می‌آید و می‌تواند تسلط مطلق را در حوزه‌های مورد علاقه اکثریت ابقا کند. مخالفان این اکثریت برای مخالفت با او هیچ اهرم نفوذی ندارند. استفاده از این قدرت ممکن است به صورت سرکوبی درآید. بدتر از همه این اکثریت ثابت می‌تواند تعادل ظریف میان بسیاری از منافع متعارض، یعنی تعادلی را که اجرای دموکراسی بستگی بنیادی به آن دارد را یکسره کند»^{[۲۸]۲۹}

اما تجربه نشان داده است، که ائتلاف‌ها هرگز در افغانستان پایدار نبوده و اندک بهانه‌هایی موجب پیمان‌شکنی شده است. لذا می‌توان گفت هر چند که قاعده اکثریت می‌تواند در پارلمان شکل بگیرد؛ اما این اکثریت نه تنها ثابت نمی‌ماند بلکه به دلیل آسیب‌هایی که متذکر شدیم بسیار شکننده خواهد بود.

به طور کلی تشکیل فراکسیون‌های ناپایدار در شورای ملی از طرفی دقت و سرعت عمل کاری پارلمان را می‌گیرد و از طرفی دیگر دولت را سر درگم خواهد کرد که آیا برای پیش برد برنامه‌هایش از حمایت پارلمان برخوردار خواهد شد یا خیر؟

نتیجه: آسیب‌شناسی انتخابات هرگز به منزله کم اهمیت خواندن و تضعیف نمودن آن نیست. آسیب‌شناسان کوشش می‌کنند، نقاط آفت‌خیز و آسیب‌پذیر یک پدیده یا موضوع را روشن کنند. امری که در صورت التفات و اقدام مجریان، درصد نقصان را به نازل‌ترین حد آن می‌رساند.

انتخابات شورای ملی افغانستان علی‌رغم اهمیت فراوان آن و نتایجی که از آن برای کشور حاصل خواهد شد، لازم است زیر ذره بین قرار گیرد تا کمبودها و کاستی‌های آن نمایانده شود. به نظر نگارنده آسیب‌های متعدد متوجه این انتخابات است که آن‌ها را در قالب سه فصل گنجاندم

در فصل اول از نقایصی سخن گفتیم که متوجه عمل‌کرد قانون نویسان اساسی و انتخابات بود. در فصل دوم آسیب‌هایی را که متوجه پروسه و فرایند انتخابات بود را در سه قسمت قبل از انتخابات، روز رای‌گیری و بعد از انتخابات، به تفصیل بیان نمودیم.

در فصل سوم حس پیش‌بینی کارشناسانه به ما دست داد. در این فصل آسیب‌ها و اختلالاتی که ممکن است در کار شورای ملی ایجاد شود را در سه قسمت به بحث نشستیم.

در پایان تأکید می‌کنم که انگشت گذاشتن بر این آسیب‌ها، هیچ چیز از منزلت و جایگاه انتخابات

شورای ملی نمی‌کاهد، بلکه این انتخابات می‌تواند در تاریخ معاصر افغانستان، نقطه عطفی به سوی دموکراسی باشد و به عنوان سندی ارزشمند، جاودانه شود.

پی نوشت